

نگاهی به سازوکار ثواب و عقاب الهی

محمد حسین صالح آبادی^۱

چکیده

فراوانی ثواب نقل شده در منابع روایی برای برخی اعمال، همچون زیارت و عزاداری امام حسین - علیه السلام - یکی از شبهات رایج نزد نسل معاصر است. در این نوشتار، نویسنده بر آن بوده تا برخی قواعد کلی قابل استنباط را از متون دینی در خصوص ثواب و عقاب در معرض دید خوانندگان قرار دهد تا دورنمایی از نظام جزادهی الهی و معیارهای موجود در این زمینه ترسیم شود و بدین وسیله فراوانی ثواب در موارد یاد شده، با توجه به این سازوکار و معیارهای آن، دآوری شود. از این رو، با استفاده از آیات و روایات، قواعدی مثل «اصالت تفضل در ثواب دهی و نه معاوضه قراردادی و معاملی» را استنباط کرده و تأکید دارد در ساختار ثواب دهی الهی اموری مثل «میزان اثر فعل» بسیار اثر گذارند. نتیجه، آن که تنها نقل ثواب زیاد برای یک عمل نمی تواند نشانه ضعف یک روایت تلقی شود، بلکه لازم است بر ساختار پاداش دهی قابل برداشت از متون دینی عرضه شود؛ چه بسا ثواب زیاد به خاطر وجود یکی از مولفه های نقش آفرین در ساختار یاد شده باشد.

کلید واژه ها: ثواب، زیارت امام حسین - علیه السلام -، ثواب الأعمال، ثواب های زیاد.

درآمد

در دوره معاصر یکی از شبهات مطرح، فراوانی ثواب نقل شده برای برخی اعمال، به ویژه زیارت و عزاداری امام حسین - علیه السلام - است؛ با این بیان که پاداش بهشت در برابر چند قطره اشک یا ثوابی چندین برابر ثواب حج، برای زیارت مزار ایشان، چگونه

۱. پژوهشگر پژوهشگاه قرآن و حدیث.

می‌تواند توجیهی داشته باشد؛ در حالی که در ظاهر این دو کار همپایه اعمالی چون حج یا جهاد نیستند.

چنان که پیداست، این گونه داوری‌ها، بر معیارهای عرفی استوارند؛ حال آن که تعیین ثواب در مجموعه معارف دینی صورت گرفته است و به طور طبیعی، اصول داوری دینی بر آن حاکم است.

از این رو، در بررسی‌های محتوایی این گونه روایات، عرضه آنها به سازوکار ثواب‌دهی الهی، ضروری به نظر می‌رسد؛ بدین معنا که ابتدا باید ساختار پاداش‌دهی در نظام تصمیم‌گیری الهی، شناسایی شود و آن گاه، پس از شناخت معیارهای پاداش‌دهی به اعمال و عوامل موثر در فزونی و کاستی میزان پاداش،^۲ به داوری نشست. با آگاهی از این ساختار است که داوری قاعده‌مند و قابل دفاع، در خصوص این روایات، ممکن خواهد شد. بدین ترتیب، در پاسخ‌گویی به شبهه یادشده، لازم است ساختار مورد بحث، از متون دینی استخراج و تبیین شود تا بتوان پاسخ مناسب و قانع‌کننده‌ای به مخاطبان عرضه کرد. این نوشتار، حاصل تلاشی است در همین زمینه که با جست و جو در متون دینی صورت گرفته است.

پیشینه بحث

در باره ساختار پاداش‌دهی و عقوبت الهی و معیارهای آن، به نگارش‌های مستقلی دست نیافتیم؛ هر چند محدثان، مجموعه‌های روایی با عنوان «ثواب الاعمال» و «عقاب الاعمال» گردآوری کرده‌اند، اما به بیان قاعده و ساختار نپرداخته‌اند و فقط روایات بیان‌کننده ثواب اعمال یا عقاب اعمال را نقل کرده‌اند. البته برخی از اندیشمندان و نویسندگان مسلمان، به طور پراکنده و در لا به لای آثار مختلف، اظهار نظرهایی دارند، ولی از آنجا که در این نوشتار، استخراج قاعده یاد شده از طریق بررسی متون دینی پی‌گیری می‌شود، از بررسی دیدگاه اندیشمندان و انعکاس آن خودداری شده است. آنچه در ذیل می‌آید، قواعد و معیارهایی است که از متون دینی قابل استنباط است و ارائه آنها به ترسیم کلی ساختار یاد شده کمک شایانی می‌کند.

۲. در سیره عقلا، بنا بر درجه مطلوب یا مبعوض بودن امور، میزان پاداش و عقاب تفاوت دارد؛ ضمن آن که شرایط فعل همچون زمان و مکان انجام آن و میزان اثرش، همچنین شرایط فاعل همچون موقعیت و جایگاه و میزان توانش و نیز امکانات و توانایی‌های پاداش‌دهنده در پاداش و عقاب‌کننده در عقاب، در آن، تأثیر خواهد گذاشت.

قواعد حاکم بر پاداش دهی به اعمال

۱. رحمت و تفضل الهی مبنای پاداش دهی

مبنا در پاداش دهی الهی، استحقاق قراردادی و معاوضی رایج بین انسان‌ها نیست، بلکه خاستگاه آن لطف، رحمت و فضل و بخشش فراوان خداوند است. سخن ذیل از امیر مؤمنان - علیه السلام - بیان‌گر این حقیقت است:

الْحَقُّ أَوْسَعُ الْأَشْيَاءِ فِي التَّوَاضُّعِ، وَأَضْيَقُهَا فِي التَّنَاضُّفِ، لَا يَجْرِي لِأَحَدٍ إِلَّا جَرَى عَلَيْهِ، وَلَا يَجْرِي عَلَيْهِ إِلَّا جَرَى لَهُ، وَلَوْ كَانَ لِأَحَدٍ أَنْ يَجْرِيَ لَهُ وَلَا يَجْرِيَ عَلَيْهِ لَكَانَ ذَلِكَ خَالِصًا لِلَّهِ سُبْحَانَهُ دُونَ خَلْقِهِ؛ لِقُدْرَتِهِ عَلَى عِبَادِهِ، وَلِعَدْلِهِ فِي كُلِّ مَا جَرَتْ عَلَيْهِ صُرُوفُ قَضَائِهِ، وَلِكُنْهَ سُبْحَانَهُ جَعَلَ حَقَّهُ عَلَى الْعِبَادِ أَنْ يُطِيعُوهُ، وَجَعَلَ جَزَاءَهُمْ عَلَيْهِ مُضَاعَفَةً الثَّوَابِ تَفَضُّلاً مِنْهُ، وَتَوْسَعاً بِمَا هُوَ مِنَ الْمُرِيدِ أَهْلُهُ؛^۳

حق، گسترده‌ترین چیزها در وصف کردن، و تنگ‌ترین آنهاست در اجرا کردن. حق، به سود کسی جریان نیابد، جز آن‌که به زیانش هم جریان یابد و به زیانش جاری نشود، جز آن‌که به سودش جریان یابد و اگر بنا بود که حق به سود کسی جاری شود و به زیانش جاری نگردد، او خدای سبحان است نه آفریده‌های او، به جهت توانایی‌اش بر بندگان، و عدالتش در هر چیزی که قضایش بر آن روان است؛ ولی خداوند سبحان، حق خود را بر بندگان، اطاعت خویش قرار داد و پاداش آن را دوچندان کرد، از در بخشندگی‌اش و افزون‌دهی‌ای که اهل آن است.

بر اساس این حدیث، هیچ کس بر خدا حقی ندارد؛ با این حال خداوند در مقابل حقش - که فرمانبری بندگان از اوست - پاداش مضاعف و فراوانی قرار داده؛ بدون این که شایستگی ذاتی آن را داشته باشند. بنا بر این، خاستگاه پاداش بر طاعت، تفضل الهی است و میزان آن در دست خداست و هر چقدر بخواهد، عطا می‌کند.

بدین ترتیب، می‌توان گفت آنچه در منابع دینی درباره پاداش برخی اعمال آمده، بیان‌گر میزان لطف خدا در آن زمینه است و بیان مقدار ثواب و نعمت اخروی خاص برای یک عمل، به معنای تعیین حدّ اقل است و هرگز بدان معنا نیست که خداوند بیش از این مقدار نمی‌بخشد و اگر ببخشد، مایه تعجب یا نکوهش شود. در برخی آیات قرآن کریم از این پاداش اضافه با تعبیر مختلفی مثل: «اجر کریم»، «اجر عظیم»، «اجرهم عند ربهم»،

۳. نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶.

«لذین احسنوا، الحسنی و زیاده» و... سخن به میان آمده است. به نظر می‌رسد بیان برخی ثواب‌های زیاد در روایات، به نوعی بیان مصداقی این عناوین هستند.

خلاصه کلام آنکه در نظام پاداش دهی الهی، مبنای تفضیل است و با معاوضه‌های حقوقی فرق دارد و از قواعد آن پیروی نمی‌کند و تنظیم‌کننده رفتار پاداش دهنده، لطف و مرحمت اوست، نه قواعد کلی حاکم بر معاوضات.

بنا بر این، آنچه در بندهای دیگر در مورد سازوکار ثواب در برابر اعمال می‌آید، بیان‌گر میزان و قواعد حداقل لطف الهی در زمینه‌های مختلف است و این بند بر آنها حکومت دارد.

گفتنی است اعطای ثواب مضاعف و فراوان در برابر عمل صالح، در حالی که در دادن کیفر به مانند عمل بسنده می‌شود، افراط و خروج از حد اعتدال به شمار نمی‌آید، زیرا اولاً: اعتدال نسبت به کریم غنی و بی‌نیاز و رؤف، همان رفتار با تفضل است؛ ثانیاً: گناه با تمایلات و کشش‌های درونی فرد همسو است و فرد در انجام آن با موانع کمتر و محرک‌های بیشتری روبه‌رو است؛ در حالی که در انجام عمل صالح با موانع بیشتر و محرک‌های کمتر مواجه است. پس مضاعف بودن ثواب می‌تواند به خاطر تشویق بیشتر باشد تا محرک‌های آن با محرک‌های گناه برابری کند و نیز می‌تواند در عوض مجاهدت فرد در راضی کردن خود به عمل صالح و مبارزه با موانع و کشش‌های درونی مخالف باشد.

۲. عمل صالح و صبر زمینه سازان لطف و تفضل الهی

قرآن کریم در آیات: «ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»^۴ و «وَنُودُوا أَنْ تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»^۵ تصریح دارد که بهشت پاداش اعمال بهشتیان است. آیات فراوان دیگری نیز بر این مطلب صراحت یا دلالت دارند؛ مانند آیه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا»^۶ و آیه «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»^۷. همچنین، آیات آغازین سوره مؤمنون: «قَدْ أَفْلَحَ

۴. سوره نحل، آیه ۳۲.

۵. سوره اعراف، آیه ۴۳.

۶. سوره کهف، آیه ۱۰۷. گفتنی است آیاتی که عمل صالح را در کنار ایمان سبب بهشتی شدن افراد می‌دانند، بسیارند؛

مانند: سوره بقره، آیه ۲۵، ۸۲ و ۲۷۷؛ سوره آل عمران، آیه ۵۷؛ سوره نساء، آیه ۱۲۲، ۵۷ و ۱۷۳.

۷. سوره بقره، آیه ۸۲.

الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ»، آیات جهاد و شهادت: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ»^۸ و «لَكِنَّ الرُّسُولَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۹ و دیگر آیاتی که از پاداش اعمال صالح مؤمنان سخن به میان آورده اند، همگی بر نقش عمل صالح در بهره‌مندی فرد از لطف الهی تأکید دارند. در متون روایی نیز روایات فراوانی در خصوص پاداش اعمال صالح وجود دارد تا آنجا که برخی محدثان آنها را در کتب مستفلی به نام «ثواب الاعمال» گردآوری کرده‌اند؛ مانند: کتاب ثواب الاعمال شیخ صدوق (ره). مجموعه این متون دینی گویای این حقیقت‌اند که عمل صالح، زمینه ساز لطف و تفضل الهی برای انجام دهنده آن است.

صبر نیز در ساختار پاداش دهی الهی جایگاه مهمی دارد و پا به پای عمل در جلب لطف و تفضل الهی نقش آفرینی می‌کند؛ چنان که قرآن کریم در برخی آیات بدان اشاره می‌کند^{۱۰} و در آیه «وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا»^{۱۱} نیز تصریح دارد که در برابر صبر مؤمنان، خداوند بهشت را به آنان پاداش می‌دهد. این بدان معناست که صبر نیز می‌تواند سعادت آفرین باشد؛ هر چند که فرد به ظاهر، عمل صالح فراوانی نداشته باشد. بنا بر این، ثواب و اجر الهی تنها به عمل تعلق نمی‌گیرد، بلکه صبر نیز هم ردیف آن به شمار می‌آید. از این رو است که گاهی صبر همپایه عمل خیر دانسته شده است.^{۱۲} قرآن کریم، در برخی آیات، صبر و عمل را در کنار هم، مایه سعادت مؤمنان دانسته است. در آیات یکم تا نهم سوره مؤمنون و در شمارش مؤلفه‌های رستگاری، صبر در ترک معصیت، یعنی خودداری از امور لغو و آلودگی جنسی، و صبر در طاعت، یعنی رعایت امانت و مواظبت بر نماز را در کنار اعمالی چون نماز و زکات، مورد توجه قرار داده است.

بدین ترتیب، در ترسیم ساختار پاداش دهی الهی این نکته نیز باید مورد توجه قرار گیرد که دو عامل صبر و عمل صالح زمینه ساز توجه و تفضل خداوند به افراد می‌شوند. از این رو، نباید ارزش کیفی صبر مورد غفلت قرار گیرد.

۸. سوره توبه، آیه ۱۱۱.

۹. سوره توبه، آیه ۸۸.

۱۰. سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ (سوره رعد، آیه ۲۴؛ سوره بلد، آیه ۱۷ - ۱۸).

۱۱. سوره انسان، آیه ۱۲.

۱۲. سوره توبه، آیه ۱۲۰.

۳. اطاعت و نافرمانی مبنای ثواب و عقاب

قرآن کریم تصریح دارد که هدف از خلقت انسان، عبادت است^{۱۳} و برخی روایات نیز روشن ساخته‌اند^{۱۴} که «تصمیم فرد بر اطاعت از خداوند در تمام امور»، ماهیت و حقیقت عبادت است. پس هدف خلقت با اطاعت محقق می‌شود. از این رو، طبیعی است که اطاعت نقشی اساسی در اعطای ثواب داشته باشد. برخی از متون روایی تأکید دارند که خداوند به اعمالی پاداش می‌دهد که با هدف اطاعت از او انجام گرفته باشند؛ چنان که کیفرش نیز نسبت به اعمالی است که به قصد نافرمانی‌اش انجام گرفته باشند. بدین ترتیب، بازگشت تمام اعمال، چه خوب و چه بد، به این دورکن است و هر عمل یا صبری اگر در مسیر اطاعت خدا باشد، پاداش در پی دارد و اگر در مسیر نافرمانی خدا باشد، عقاب الهی را در پی خواهد داشت. روایت ذیل بر این مطلب تصریح دارد:

الامام علی - علیه السلام - : إِنَّ اللَّهَ سَبَّحَانَهُ وَضَعَ الثَّوَابَ عَلَى طَاعَتِهِ وَالْعِقَابَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ؛^{۱۵}

امام علی - علیه السلام - : همانا خداوند سبّحان پاداش را بر فرمانبرداری‌اش و مجازات را بر نافرمانی‌اش قرار داده است.

اگر این اصل و اصل قبلی در کنار هم دیده شوند، گویای این حقیقت‌اند که آنچه در مسیر بهره‌مندی از لطف و رحمت خداوند و استحقاق اجر و پاداش افزون‌تر و اهمیت دارد، اطاعت و تسلیم‌پذیری فرد از خداست که در قالب عمل یا صبر نمودار می‌شود. از این رو است که قرآن کریم برتری طلبان و مستکبران را شایسته برخورداری از رحمت خاص خداوند در آخرت (رحیمیت خدا) نمی‌شمارد.^{۱۶}

از آنجا که عمل و صبر افراد، از حیث اطاعت و تسلیم، درجات مختلف دارد و فقط خداوند، به میزان اطاعت‌پذیری افراد در عمل یا صبر، علم دارد، آگاهی از اندازه استحقاق افراد به پاداش در توان دیگران نیست و فقط در حوزه علم خداوند قرار دارد و بدیهی است که او اجر افراد را ضایع نخواهد کرد.^{۱۷}

۱۳. وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (سوره ذاریات، آیه ۵۶).

۱۴. قَالَ عِيسَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ - عَلَيْهِ السَّلَام - : جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا الْعِبَادَةُ؟ قَالَ: حُسْنُ النِّيَّةِ بِالطَّاعَةِ مِنَ التَّوَجُّهِ الَّتِي يُطَاعُ اللَّهُ مِنْهَا (الكافي، ج ۲، ص ۸۳، ح ۴).

۱۵. نهج البلاغه، حکمت ۳۶۸.

۱۶. سوره قصص، آیه ۸۳.

۱۷. أَنِّي لَا أَضِيعُ عَمَلٍ عَمِلَ فَنَظَرْتُ فِي ذِكْرٍ أَوْ أَنْتَى (سوره آل عمران، آیه ۱۹۵؛ سوره يوسف، آیه ۵۶ و ۹۰؛ سوره كهف، آیه ۱۰۸).

۴. جایگاه عقل در نظام جزا

در شماری از روایات تصریح شده که در پاداش دهی به اعمال، میزان عقل افراد در میزان پاداش آنها نقش دارد و چنانچه یک عمل خاص را دو نفر انجام دهند، فردی که عقل بیشتری دارد، از ثواب بیشتری بهره‌مند است و پاداش بیشتری به او داده می‌شود.^{۱۸} این امر در روایات مختلف مرتبط با عقل گوشزد شده است. بر اساس برخی از روایات، خداوند خطاب به عقل فرموده است: «به سبب [وجود] تو مؤاخذه و عطا می‌کنم... و ثواب و عقاب، به دست توست».^{۱۹} در روایت دیگری، ضمن بیان عقل، به عنوان ملاک تشخیص خوبی افراد، تأکید دارد که پاداش دهی اعمال نیز بر اساس عقل است.^{۲۰} در روایت دیگری معصوم - علیه السلام - تأکید دارند که در روز قیامت، دقت و موشکافی در اعمال، به تناسب میزان عقل افراد، خواهد بود.^{۲۱} در روایت دیگری نیز تصریح شده که پاداش، به اندازه عقل است.^{۲۲}

۵. جایگاه نیت در نظام جزا

در متون روایی، نیت فرد، هویت بخش عمل دانسته شده و ارزش خود را از آن به دست می‌آورد. از این رو، در مقام پاداش دهی نیز این نیت است که وزن عمل را تعیین می‌کند؛ چنان که تصریح شده: «لَا عَمَلَ إِلَّا بِنِيَّةٍ»؛^{۲۳} یعنی عمل وابسته به نیت است و بدون آن

۳۰؛ سوره هود، آیه ۱۱۵؛ سوره اعراف، آیه ۱۷۰؛ سوره آل عمران، آیه ۱۷۱.

۱۸. این امر شاید از آن رو باشد که بالا بودن میزان عقل به معنای معرفت و شناخت بیشتر است و در چنین حالتی فرد جوانب عمل خیر را می‌سنجد و جایگاه عمل را خوب می‌شناسد و آن را از آفات حفظ می‌کند. از این رو، عمل از جهت کیفیت و تاثیرگذاری به مراتب بهتر از عمل فردی است که از میزان عقل و معرفت کمتری برخوردار است؛ زیرا فرد کم عقل، گاه عملی را به قصد خیر انجام می‌دهد، اما به خاطر نسنجیدن جوانب و عواقب امور، کارش زیان‌آور است و از آفات مصون نیست.

۱۹. بِكَ إِذَا جُذِّدَ وَ بِكَ اعْطَى، وَ بِكَ أَوْحِدَ وَ بِكَ اعْبُدْ، وَ بِكَ ادْعُ وَ بِكَ ارْتَجِ وَ بِكَ ابْتَغِ، وَ بِكَ اخَافْ وَ بِكَ احْذَرْ، وَ بِكَ التَّوَابُ وَ بِكَ الْعِقَابُ (الخصال، ص ۴۲۷، ح ۴؛ معانی الأخبار، ص ۳۱۳، ح ۱).

۲۰. رسول الله - صلی الله علیه و آله - : إِذَا بَلَغَكُمْ عَنْ رَجُلٍ حَسَنٍ حَالٍ، فَانظُرُوا فِي حَسَنِ عَقْلِهِ، فَإِنَّمَا يُجَازَى بِعَقْلِهِ (الكافی، ج ۱، ص ۱۲، ح ۹).

۲۱. امام باقر - علیه السلام - : إِنَّمَا يُدَاقُّ اللَّهُ الْعِبَادَ فِي الْحِسَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى قَدَرِ مَا آتَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ فِي الدُّنْيَا (همان، ج ۱، ص ۱۱، ح ۷).

۲۲. سَلِمَانُ الدَّلِيلِيُّ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - : فَلَانٌ مِنْ عِبَادَتِهِ وَ دِينِهِ وَ فَضْلِهِ [كذا و كذا] فَقَالَ: كَيْفَ عَقْلُهُ؟ قُلْتُ: لَا أَدْرِي، فَقَالَ: إِنَّ التَّوَابَ عَلَى قَدَرِ الْعَقْلِ (همان، ج ۱، ص ۱۲، ح ۸).

۲۳. رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - : لَا قَوْلَ إِلَّا بِعَمَلٍ، وَلَا قَوْلَ وَلَا عَمَلَ إِلَّا بِنِيَّةٍ، وَلَا قَوْلَ وَلَا عَمَلَ إِلَّا بِإِصَابَةِ السُّنَّةِ (همان، ج ۱، ص ۷۰، ح ۹).

هیچ ارزشی ندارد. در شأن صدور روایت مشهور «انما الاعمال بالنیات»^{۲۴} ارزش کارها به نیت هاست»، نیز گزارش شده که وقتی پیامبر - صلی الله علیه و آله وسلم - شنیدند یکی از سپاهیان به قصد غنیمت گرفتن روانه جهاد شده، چنین فرمودند و افزودند که هر کس هر آنچه را قصد کرده، به دست می آورد؛ اگر به قصد به دست آوردن رضای خدا به جهاد آمده، پاداشش بر عهده خداست و هر کس برای دست یابی به بهره مادی آمده، بهره ای جز آن ندارد؛ یعنی نزد خدا اجری ندارد.

اهمیت نیت تا آنجاست که در حدیث امام صادق - علیه السلام -^{۲۵} همسنگ خود عمل دانسته شده و آمده است:

نیت برتر از عمل است؛ بلکه توجه داشته باشید که نیت در واقع، حقیقت عمل است (عمل واقعی، همان نیت است).

در این میان، حدیث ذیل شاید گویاترین متن در اهمیت و جایگاه نیت باشد:

الامام الباقر - علیه السلام - : مَنْ بَلَغَهُ ثَوَابٌ مِنْ اللَّهِ عَلَى عَمَلٍ، فَعَمِلَ ذَلِكَ الْعَمَلُ الْيَمَاسَ ذَلِكَ الثَّوَابِ أَوْتِيَهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنِ الْحَدِيثُ كَمَا بَلَغَهُ؛^{۲۶}

امام باقر - علیه السلام - : هر کس شنیده باشد که خداوند برای انجام عملی پاداش می دهد و برای دست یافتن به آن پاداش، آن کار را بکند، به او داده می شود؛ هر چند حدیث، آن گونه نباشد که به او رسیده است.

از این روایت بر می آید که ثواب در برابر خود عمل نیست، بلکه این نیت است که در اعطای ثواب اهمیت دارد و چنانچه در جایی، این دوازدهم جدا شوند، ثواب در کنار نیت خواهد بود، نه عمل.

تأمل در این دسته از روایات، گویای این حقیقت است که در نظام پاداش دهی الهی، نیت نقش تعیین کننده ای در اعطای ثواب و میزان آن دارد و از آنجا که امری قلبی است و تنها خداوند بدان آگاه است، میزان ثواب هر فرد از یک عمل مشخص برای ما معلوم نیست و فقط در روز قیامت است که میزان بهره مندی افراد از اعمالشان روشن می شود.

۲۴. امالی الطوسی، ص ۶۱۸، ح ۱۲۷۴.

۲۵. الامام الصادق - علیه السلام - : النَّيَّةُ أَفْضَلُ مِنَ الْعَمَلِ إِلَّا وَإِنَّ النَّيَّةَ هِيَ الْعَمَلُ، ثُمَّ تَلَا قَوْلَهُ عَزَّ وَجَلَّ: «قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ»، يَغْنِي عَلَى نِيَّتِهِ (الكافي، ج ۲، ص ۱۷، ح ۴).

۲۶. همان، ج ۲، ص ۸۷، ح ۲.

۶. جایگاه سختی عمل در نظام جزا

بر اساس برخی متون دینی، ناخوشایندی و سختی عمل باعث افزایش ارزش آن می شود و پاداش بیشتری نیز به آن تعلق می گیرد؛ امری که در داوری های عرفی و سیره عقلا نیز مورد توجه قرار می گیرد. از امیر مؤمنان - علیه السلام - نقل شده که:

برترین عمل، عملی است که ناخوشایندت باشد و تو خود را بدان واداری.^{۲۷}

چنان که در فراز دیگری تأکید کرده اند که اگر خانه خدا در منطقه سرسبز و خوش آب و هوا بود به جهت کم شدن از سختی های سفر، ثواب حاجیان کم و ناچیز می شد.^{۲۸} به نظر می رسد اعطای این جایگاه به سختی عمل در نظام جزا از آن رو است که وقتی عملی با سختی همراه است، گویا انجام دهنده عمل، دو عمل انجام داده است: اول، خود عمل و دوم، صبر به همراه آن. و گذشت که ثواب به دو چیز تعلق می گیرد: عمل و صبر. پس می توان گفت افزونی ثواب در چنین مواردی، پاداش صبر بر سختی است که همراه عمل تحمل شده است؛ حقیقتی که در آیه ۵۴ سوره قصص نیز مورد تأکید قرار گرفته است؛ آن گاه که در باره اجر مؤمنان صابر می فرماید:

أُولَئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنٍ بِمَا صَبَرُوا؛

آنها کسانی هستند که به خاطر شکیبایی شان، اجر و پاداششان را دو بار دریافت می دارند.

و باز می توان حدیث امیر مؤمنان - علیه السلام - را شاهد آورد که فرموده اند:

افراد با صبر در مقابل سختی های اطاعت خدا، به پاداش الهی دست می یابند.^{۲۹}

نتیجه آن که اولاً، سختی کار تنها، یکی از عوامل ارزش دهی بیشتر به عمل است؛ ثانیاً، ارزش افزوده به صبر بر می گردد و نه عمل. پس کار فرد همان ارزش اولیه در شرایط آسان و راحت را دارد و فقط به دلیل صبر بر سختی ها، ثواب صبر بدان ملحق شده است؛ چنان که امام صادق - علیه السلام - می فرمایند:

۲۷. أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ مَا أَكْرَهْتَ نَفْسَكَ عَلَيْهِ (نهج البلاغه، حکمت ۲۴۹).

۲۸. ولو كان الله - تبارك و تعالی - وضع بيته الحرام ومشاعرة العظام بين جنات وأنهار... لكان قد صغر الجزاء على حسب ضعف البلاء (الكافي، ج ۴، ص ۲۰۰، ح ۲؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲).

۲۹. الصبر على طاعة الله يُنال ثواب الله (تحف العقول، ص ۲۲۳؛ بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۶۲، ح ۱۴۵).

هر کس با سختی قرآن را بیاموزد، دارای دواجر است و هر کس بدون سختی و با سادگی و راحتی بیاموزد، اجرش مثل سایرین است (یعنی ثواب اولیه آن را دارد و ثواب اضافه بدو تعلق نمی‌گیرد).^{۳۰}

برابر این سخن امام - علیه السلام - در شرایطی که کار خیر با سختی همراه نباشد، از نظر برخورداری از پاداش در زمره گروه اول قرار دارد؛ یعنی بهره‌مندان از اجر عمل، نه عمل به اضافه صبر.^{۳۱}

۷. عدالت در کیفر، تفضل در پاداش

قاعده دیگری که در متون دینی، به ویژه در قرآن کریم بر آن تأکید شده، برابری و همسنگی عقوبت با گناه و پاداش چند برابری نسبت به عمل صالح است. بر اساس این قاعده، اگر کسی یک کار خیر کند، پاداش آن، دست کم، ده برابر عمل است. این در حالی است که در گناه، فقط برابر عمل جزا داده می‌شود.^{۳۲} با این حال، در برخی موارد نیز تأکید شده که پاداش بی حد و اندازه خواهد بود^{۳۳} و قابل حساب و کتاب نیست.^{۳۴} برخی متون نیز تأکید دارند که در عقوبت، ماهیت عمل خودشان به آنان برمی‌گردد و همان عقوبتشان است.^{۳۵} برخی نیز به اصل تفضل و افزون بودن ثواب نسبت به عمل اشاره کرده‌اند.^{۳۶}

این مطلب قرینه دیگری است بر این که در نظام پاداش دهی الهی، اصل در ثواب دهی، تفضل است و خبری از معاوضه رایج و استحقاقی نیست.

۳۰. مَنْ شَدَّدَ عَلَيْهِ فِي الْقُرْآنِ كَانَ لَهُ أَجْرَانِ وَمَنْ يُسِّرَ عَلَيْهِ كَانَ مَعَ الْأَوَّلِينَ (الکافی، ج ۲، ص ۶۰۷، ح ۲).
 ۳۱. گفتنی است عبارت «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ أَحْمَرُهَا»، برخلاف شهرتش، در منابع اولیه حدیثی انعکاس نیافته و گویا برداشتی است از یک حدیث ضعیف که فقط در منابع حدیثی متأخر آمده و از حیث سند دچار مشکل جدی است: «ابن عباس: سئل رسول الله - صلی الله علیه وآله - : ای الأعمال أفضل؟ فقال: أَحْمَرُهَا» (بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۱۹۱). در برخی منابع متأخر نیز این حدیث به شکل «خیر الأعمال احمرها» آمده است (بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۷۹)؛ چنان که در برخی منابع نیز به صورت «افضل العبادات احمرها» آمده است (المسلك فی أصول الدین، ص ۲۸۸؛ تفسیر الرازی، ج ۲، ص ۲۳۳؛ تفسیر ابی السعود، ج ۱، ص ۲۳۵). به نظر می‌رسد هر دو عبارت نقل معنایی از این حدیث ضعیف هستند. به هر حال، این مضمون به سه شکل یاد شده در منابع متأخر نقل شده که هیچ کدام منبع و مستند قابل اعتنایی ندارند.

۳۲. مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَثْمَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلُهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (سوره انعام، آیه ۱۶۰).

۳۳. سوره نساء، آیه ۴۰.

۳۴. سوره غافر، آیه ۴۰.

۳۵. سوره قصص، آیه ۸۴.

۳۶. سوره شوری، آیه ۲۳؛ سوره بقره، آیه ۲۶۱.

۸. جایگاه اثر عمل در نظام جزا

توجه به اثر عمل هنگام داوری و سنجش ارزش یک کار، از امور رایج در سیره عقلا و عرف بشری است. این امر در آموزه های دینی نیز مورد توجه قرار گرفته و قرآن کریم تصریح دارد که افزون بر عمل، اثر آن نیز در نامه عمل افراد نوشته می شود.^{۳۷} روشن است که در روز جزا، ثواب و عقاب بر اساس اعمالی است که در نامه عمل افراد ثبت شده است. در برخی متون دیگر نیز بیان شده که افراد، بسته به میزان اثر عملشان، شایستگی ثواب و عقاب پاداش پیدا می کنند. به نظر می رسد در چنین مواردی اثر عمل به خود عمل ضمیمه می شود و کفه عمل را سنگین تر و پیرو آن ثوابش را نیز بیشتر می کند. به عبارت دیگر، توسعه ثواب تابع توسعه خود عمل است.

امور مختلفی در افزایش اثر یک عمل نقش دارند که برخی از آنها در متون دینی نیز مورد توجه قرار گرفته اند. شرایط و حالات ذیل به جهت نقشی که در افزایش اثر عمل دارند، فزونی ثواب و حتی گاه، فزونی مجازات را در پی دارند.

الف. نقش پایگاه اجتماعی در اثر عمل

عمل برخی افراد به خاطر پایگاه اجتماعی بالایی که دارند، الگو و سرمشق دیگران قرار می گیرد و توده مردم از آنان تأثیر می پذیرند و باعث رونق و رواج کار خیر یا بد می شوند. بدین ترتیب، عمل این گروه دارای آثار بیشتری نسبت به عمل دیگران است. بدیهی است هنگام سنجش عمل، آثار اضافه، محاسبه گردد و در پاداش یا کیفر لحاظ شود. هدایت گران جامعه، همچون انبیا و اوصیا، عالمان، حاکمان و وابستگان این سه گروه از کسانی اند که به دلیل جایگاه اجتماعی شان، در سرنوشت جامعه اثر گذارند و کارهای آنان، بیش از کار سایر مردم، دارای وزن و اثر است. روایات گوناگونی بدین حقیقت در خصوص عالمان تأکید کرده اند. در این دسته از روایات، اجر عالم از مجاهدی که شب ها را به نماز و روزها را به روزه داری مشغول است، فزون تر دانسته شده^{۳۸} و تأکید شده اگر کسی مسیر هدایتی را برای مردم بگشاید و بدان وسیله، مردم عمل صالحی انجام دهند، ثواب کار تمام آنها به وی داده می شود؛ بدون این که از ثواب کار آنان چیزی کم شود و اگر کسی مسیر گمراهی را برای مردم بگشاید، گناه تمام گمراهان از این طریق در نامه او نوشته

۳۷. إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَى وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَرَهُمْ وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ (سوره یس، آیه ۱۲).

۳۸. الکافی، ج ۱، ص ۳۷؛ المحاسن، ج ۱، ص ۳۶۴؛ ح ۷۸۵؛ الإرشاد، ج ۱، ص ۲۳۰؛ بحار الأنوار، ج ۲، ص ۴۳، ح ۱۲.

می شود؛ بدون این که از نامه عمل آنان چیزی کسر شود.^{۳۹} در همین باره، حدیث مشهور «برتری جوهر قلم عالمان بر خون شهیدان»^{۴۰} قابل توجه است که تصریح دارد به هنگام سنجش اعمال، در روز قیامت، مشخص می گردد که وزن جوهر قلم عالم به مراتب سنگین تر از وزن خون شهیدان است. این بدان معناست که ثمرات نوشته ها و گفته های عالمان به خاطر هدایت گری توده مردم و اثر فوق العاده آن، نسبت به خون شهید - که خود دارای اثرات فراوانی در اجتماع است - بیشتر است و بر آن ترجیح داده می شود.

در باره اثر عمل وابستگان به این سه دسته نیز آیه سی ام سوره احزاب دلالت روشنی دارد؛ آنجا که به زنان پیامبر - صلی الله علیه و آله وسلم - هشدار می دهد که مراقب رفتار خود باشند؛ چرا که آنان با سایر زنان فرق دارند و عملشان به خاطر تأثیرگذاری بیشتر، ثواب و کفیری مضاعف دارد. در روایتی از امام سجاد - علیه السلام - نیز نقل شده این قاعده به زنان پیامبر - صلی الله علیه و آله وسلم - اختصاص ندارد و شامل خاندان و ذریه ایشان نیز می شود.^{۴۱} بدیهی است عمل این گروه ها، به جهت اثرپذیری توده مردم از آنان، باعث ترویج تبعی یک عمل نیک یا بد و افزایش وقوع خارجی آن عمل می گردد و طبیعی است که پاداش و عقاب آن نیز افزایش یابد.

ب. نقش اثرگذاری در اثرگذاران

گذشت که برخی به خاطر پایگاه اجتماعی خود بیش از سایرین در اجتماع نقش آفرین اند و تصمیمات و اعمال آنان در سرنوشت جامعه و نهادینه شدن ارزش ها یا ضد ارزش ها، اثر گذار است. نمونه بارز این عنوان، تأثیر گذاری در حاکمان است که جامعه را مدیریت می کنند و اگر متمایل به خیر یا شر شوند، بخش عظیمی از جامعه نیز به تبع آنان، چنین خواهند کرد. در برخی از روایات گوشزد شده که اگر کسی در این گروه تأثیر بگذارد و بدین وسیله آنان را اصلاح کند و زمینه اصلاح جامعه را فراهم کند، اجر او همسنگ اعمال صالح تمام جتّیان و انسیان است. این اجر عظیم برای کسی است که نزد حاکم ستمگر برود و او را به تقوای خدا فرمان دهد و موعظه اش کند و [از عذاب و خشم خدا]

۳۹. الکافی، ج ۱، ص ۳۵۴؛ المحاسن، ج ۱، ص ۹۶، ح ۶۰؛ بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۹، ح ۵۳.

۴۰. الامام الصادق - علیه السلام - : إذا كان يوم القيامة جمع الله - عز وجل - الناس في صعيد واحد ووضعت الموازين، فتوزن دماء الشهداء مع مداد العلماء، فيرجح مداد العلماء على دماء الشهداء (كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۹۹، ح ۵۸۵۳).

۴۱. لِمُحْسِنِنَا كِفْلَانٍ مِنَ الْأَجْرِ وَلِمُسِيئِنَا ضِعْفَانٍ مِنَ الْعَذَابِ (معاني الأخبار، ص ۱۰۶، ح ۱؛ بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۲۲۱، ح ۱۴).

بترسانندش.^{۴۲} در روایت مشهور دیگری، برترین جهاد، امر به معروف و نهی از منکر نزد حاکم ظالم دانسته شده است.^{۴۳}

ج. نقش نفوذ عمل در اثر آن

گاهی خود عمل دارای ویژگی‌هایی است که نفوذ خاصی دارد و باعث گسترش حوزه تأثیرگذاری آن می‌شود و بدین وسیله بر ارزش آن افزوده می‌شود. عملی که تبدیل به یک سنت می‌شود، یکی از مصادیق بارز این عنوان است. در چنین مواردی، وقتی عملی بنیاد می‌شود، از سوی آحاد مردم، پیوسته در حال انجام و در حال افزایش است. از این رو، باید در پاداش و عقاب نیز این افزایش لحاظ شود. پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - در این باره می‌فرمایند:

هر کس سنتی نیکو پی نهد، اجر عمل خودش و اجر کسانی که تا روز قیامت به آن عمل می‌کنند، از آن اوست؛ بی آن که از اجر آنها چیزی کم شود.^{۴۴}

در برخی روایات نیز برای صلوات فرستادن بر پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - و خاندانش، ثواب فراوان و خیلی زیادی نقل شده است.^{۴۵} پس می‌توان گفت این کار هم، یکی از مواردی است که اثر فعل در آن افزایش می‌یابد و کفه حسنات را سنگین می‌سازد. شاید از آن رو که توجه به پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - و خاندانش - که هدایتگران جوامع و نسل‌هایند - در هدایت‌پذیری فرد و دیگرانی که ناظر یا شنونده‌اند، تأثیرگذار است؛ زیرا بدین وسیله، الگوهای مناسب در مسیر هدایت برجسته می‌شوند؛ امری که تثبیت هر چه بیشتر دین و دینداری را در پی دارد. در اینجا نیز این آثار فراوان عمل است که با پیوست بدن، ارزشی فوق العاده و بیش از حد انتظار به آن می‌بخشد و سزاوار پاداشی به مراتب بیشتر از وزن ظاهری عمل می‌گردد.

در موارد دیگر نیز به سنگینی بسیار زیاد یک عمل در ترازوی سنجش اعمال اشاره شده است^{۴۶} که می‌توان گفت در آنها نیز امری غیر از شاکله ظاهری عمل، ارزش آفرین

۴۲. السرائر، ج ۳، ص ۶۳۴.

۴۳. ان افضل الجهاد كلمة عدل عند امام جاثر (الكافي، ج ۵، ص ۵۹، ح ۱۶؛ تهذيب الأحكام، ج ۶، ص ۱۷۷، ح ۳۶۰).

۴۴. الكافي، ج ۵، ص ۹، ح ۱؛ الخصال، ص ۲۴۰، ح ۸۹؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳، ح ۱۵.

۴۵. ما فی المیزان شیء أثقل من الصلاة علی محمد وآل محمد (الكافي، ج ۲، ص ۴۹۴، ح ۱۵؛ قرب الاسناد، ص ۱۴، ح ۴۵).

۴۶. عيون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۴۰، ح ۹۸.

شده است.

بنا بر این، در مواردی از این دست، اثر فعل به دلیل ارزشمندی، تأثیر گذاری و نقش آفرینی زیاد، فزونی می یابد و با پیوست به عمل، کفه ارزشی آن را سنگین می کند و برای پاداش بیشتر، شایستگی می یابد.

د. نقش متعلق عمل در اثر آن

گاهی عملی در ظاهر، فرقی چندان با اعمال دیگر ندارد، ولی به دلیل تعلق آن به یک امر مهم، دارای اثر فوق العاده ای می شود که با ظاهر آن همسنگ به نظر نمی رسد. در چنین مواردی اثر عمل بسیار مهم و ارزشمند است؛ چون متعلق عمل مهم است و بدین ترتیب، عمل به خاطر متعلقش دارای آثار فراوانی می شود و چنانچه کار خیر باشد، ارزشمندی عمل را بسیار بالا می برد و اگر کار شرّ باشد، منفوریت و زشتی عمل را. بنا بر این، در این گونه موارد، ارزش یا قبح عمل، از شخصیت فاعل تأثیر چندانی نمی پذیرد و حتی ممکن است بر ارزشمندی یا فرومایگی فاعل نیز بیفزاید، بلکه سنگینی ارزش آن مدیون اثری است که خود و امدار متعلق عمل است. مثال روشن در این باره - که در قرآن کریم نیز مورد تأکید قرار گرفته - عمل نجات یک فرد یا قتل است که همسنگ نجات یا قتل تمام بشر دانسته شده است:

هر کس یک انسان را بکشد - بدون این که او کسی را کشته باشد و یا فسادی در زمین کرده باشد - مثل این است که همه مردم را کشته، و هر کس یک انسان را از مرگ نجات دهد مثل این است که همه را از مرگ نجات داده است.^{۴۷}

این بدان معناست که متعلق عمل نجات - که جان آدمی و حیات اوست - چنان ارزشمند است که فرد با حفظ یا نجات آن گویا جان تمام آحاد بشر را حفظ کرده است؛ چنان که اگر جان فردی را بگیرد، گویا حیات را از تمام بشریت گرفته است. بدیهی است در چنین مواردی خود فعل، به حسب ظاهر، چنین وزنی ندارد، اما این متعلق فعل است که به خاطر اهمیت فراوانش، به فعل چنین ارزش و اهمیتی داده است. گفتنی است بها دادن به یک عمل به خاطر اهمیت متعلق آن، در سیره عقلا نیز رایج است؛ چنان که اگر یک امدادگر مخیر باشد جان یک فرد تأثیرگذار در سرنوشت جامعه را

۴۷. سوره مائده، آیه ۳۲.

نجات دهد یا فرد عادی را، انتظار عقلا این است که اولی را نجات دهد و در این صورت، قدردانی و پاداش دهی، به مراتب، بیشتر از حالتِ نجاتِ دومی است.

۹. جایگاه ایمان در نظام جزا

یکی از امور نقش آفرین در پذیرش عمل صالح و استحقاق پاداش اخروی، ایمان است و بدون آن، عمل وزن و ارزشی ندارد. قرآن کریم در داستان قربانی فرزندان آدم تصریح دارد که خداوند فقط عمل متقین را می‌پذیرد:

إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ.^{۴۸}

در برخی آیات دیگر نیز وقتی سخن از پاداش دهی به عمل صالح به میان می‌آید با قید «وَهُوَ مُؤْمِنٌ» تأکید دارد که ایمان شرط پذیرش عمل و اعطای ثواب بدان است.^{۴۹} چنان که در بسیاری از آیات نیز تعبیر «آنان که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، بهشت نصیبشان خواهد شد» آمده است؛ مانند آیه:

وَيَبْشِرُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ.^{۵۰}

در این گونه آیات نیز، تقدم ایمان بر عمل صالح گوشزد شده است و این که عمل صالح، پس از ایمان آوردن باعث بهشتی شدن فرد می‌شود و این دو در کنار هم سعادت اخروی را رقم می‌زنند. در منابع روایی نیز این شرط مورد توجه قرار گرفته است؛ چنان که وقتی از امام صادق - علیه السلام - می‌پرسند آیا پاداش اخروی اعمال، شامل غیر مؤمنین نیز می‌شود؟ امام پاسخ می‌دهند: خیر.^{۵۱}

این جایگاه ایمان از آن روست که اقدام به عمل، پس از شناخت و گرویدن به حق صورت گرفته و عمل در به دنبال طاعت پروردگار و بندگی اوست و این ارزش بندگی است که به عمل ارزش افزون تر داده و آن را گران بها ساخته است. با توجه به آنچه گفتیم، ارزشمندی ایمان و جایگاه آن، مرهون طاعت است و نپذیرفتن عمل از غیر مؤمنین بدین خاطر است که آنان در امور کلی تراهل طاعت و پذیرش حق نبوده‌اند و عمل آنان به گونه‌ای در گرو نافرمانی فراتری است. باید توجه داشت که ثواب مضاعف عمل در اثر

۴۸. سوره مائده، آیه ۲۷.

۴۹. قَمَنْ يَعْمَلُ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ وَإِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ (سوره انبیاء، آیه ۹۴؛ نیز رک: سوره اسراء، آیه ۱۹).

۵۰. سوره بقره، آیه ۲۵ و ۸۲.

۵۱. الکافی، ج ۲، ص ۴۶۳، ح ۱.

شناخت باورهای اساسی (گفتن شهادتین)^{۵۲} و شناخت و محبت اهل بیت - علیهم السلام - که در برخی روایات آمده،^{۵۳} چیزی جز ایمان بر مبنای شناخت نیست.

الف. شناخت باورهای اساسی

یکی از اموری که در تضاعف ثواب نقش آفرینی می‌کند، شناخت نسبت به باورهای اعتقادی (توحید و نبوت) است. عمل در این صورت با بینش روشن و با توجه به جهان بینی و آگاهی از جایگاه فاعل و فعل در نظام هستی صورت می‌گیرد و در ماهیت، با انجام همین عمل با اعتقاد و باوردیگر فرق دارد. از این رو، پاداش آن نیز به تناسب، متفاوت خواهد بود. در این باره روایتی از امیر المؤمنین نقل شده که فرموده‌اند:

گواهی به توحید و نبوت، بالا برنده اعمال نزد پروردگار و سنگین کننده کفه ترازوهایند و ترازویی که فاقد این دو باشد، سنگین نمی‌شود.^{۵۴}

ب. شناخت و گرایش‌های قلبی (محبت اهل بیت)

یکی دیگر از اموری که ارزش عمل و پاداش آن را بالا می‌برد، شناخت توأم با محبت نسبت به رهبران الهی است که مؤمنان را از ضلالت نجات می‌دهند و در مسیر حق و سعادت قرار می‌دهند؛ چنان که در حدیث امام صادق - علیه السلام - آمده است که با شناخت امام معصوم - علیه السلام - و محبت نسبت به او، ثواب اعمال چند برابر می‌شود.^{۵۵} در احادیث پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - نیز آمده است: حب اهل بیت گناهان را پاک و ثواب اعمال را مضاعف می‌کند^{۵۶} و حب قلبی امیر مؤمنان - علیه السلام - که سرسلسله امامت است، به اندازه یک سوم اعمال بندگان خدا دارای اجر و پاداش است و اگر این محبت قلبی با حمایت و یاری زبانی همراه شود، به اندازه دو سوم اعمال

۵۲. در این باره روایتی از امیر المؤمنین - علیه السلام - نقل شده که فرموده‌اند: «گواهی به توحید و نبوت، بالا برنده اعمال نزد پروردگار و سنگین کننده کفه ترازوهایند و ترازویی که فاقد این دو باشد سنگین نمی‌شود» (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۴).

۵۳. مَنْ عَرَفَ الْإِمَامَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَتَوَلَّاهُ، ثُمَّ عَمِلَ لِنَفْسِهِ بِمَا شَاءَ مِنْ عَمَلِ الْخَيْرِ قَبْلَ مِنْهُ ذَلِكَ، وَضَوَّعَ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً، فَأَتَتْهُ بِأَعْمَالِ الْخَيْرِ مَعَ الْمَعْرِفَةِ (امالی الطوسی، ص ۴۱۷، ح ۹۳۹؛ بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۱۷۰، ح ۱۱).

۵۴. أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، شَهَادَتَيْنِ تُصْعِدَانِ الْقَوْلَ، وَ تَرْفَعَانِ الْعَمَلَ، لَا يَخْفُفُ مِيزَانُ تَوْضَعَانِ فِيهِ، وَلَا يَثْقُلُ مِيزَانُ تَرْفَعَانِ عَنْهُ (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۴).

۵۵. مَنْ عَرَفَ الْإِمَامَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَتَوَلَّاهُ، ثُمَّ عَمِلَ لِنَفْسِهِ بِمَا شَاءَ مِنْ عَمَلِ الْخَيْرِ قَبْلَ مِنْهُ ذَلِكَ، وَضَوَّعَ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً، فَأَتَتْهُ بِأَعْمَالِ الْخَيْرِ مَعَ الْمَعْرِفَةِ (امالی الطوسی، ص ۴۱۷، ح ۹۳۹؛ بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۱۷۰، ح ۱۱).

۵۶. رسول الله - صلی الله علیه و آله - : حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ يَكْفِّرُ الذُّنُوبَ وَيُضَاعِفُ الْحَسَنَاتِ (امالی الطوسی، ص ۱۶۴، ح ۲۷۴).

بندگان و اگر از مرحله محبت قلبی و حمایت زبانی فراتر رود و به حمایت فیزیکی و یاری با دست (کنایه از یاری رساندن با اعضا و جوارح و مجاهدت با سلاح است) بینجامد، اجر و پاداش چنین کسی با اعمال تمام بندگان خدا برابری می‌کند.^{۵۷}

به نظر می‌رسد فلسفه فزونی ثواب در این موارد، پذیرش حق و تسلیم شدن در برابر آن و تعلق و تعهد قلبی و عملی نسبت به آن است. این همان ایمان است که هم در اصل استحقاق ثواب، تأثیر گذار است و هم در افزایش کیفیت و درجه آن.

۱۰. جایگاه رابطه باطنی عمل و جزا

در برخی متون دینی گوشزد شده که افراد در روز قیامت، چیزی جز عمل خود را به عنوان جزا دریافت نمی‌کنند و در حقیقت، روز قیامت پرده‌ها کنار می‌رود و افراد ماهیت و باطن عمل را می‌بینند؛ اگر عمل آنان رحمانی بوده، در رحمت و روح و ریحان خواهند بود و اگر ماهیت عملشان آتش و عذاب بوده، گرفتار عمل خود خواهند بود. آیات آخر سوره زلزال دلالت روشنی بر این مطلب دارند:

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ.^{۵۸}

در آیه دیگری^{۵۹} تأکید شده که در کارهای بد، خود عمل است که به آنها بازگردانده می‌شود، اما در خصوص کار خوب، آنچه به عنوان جزا داده می‌شود، چیزی بهتر از عملشان است؛ به خاطر لطف و تفضل الهی.

۱۱. جایگاه تسامح، گذشت و لطف در نظام جزا

در بسیاری از متون دینی، گوشزد شده که در روز جزا، نسبت به مؤمنان نیکوکار، با تسامح، گذشت و لطف برخورد می‌شود. آشکال این برخورد با تسامح عبارت‌اند از:

الف. پاک شدن بدی‌ها با خوبی‌ها

بر اساس برخی آیات، خداوند بدی‌های مؤمنان را به خاطر انجام کارهای خوب

۵۷. رسول الله - صلی الله علیه و آله - لِعَلِيَّ - عَلَيْهِ السَّلَام - : إِنَّمَا مِثْلُكَ مِثْلُ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»، فَإِنَّهُ مَنْ قَرَأَهَا مَرَّةً فَكَأَنَّمَا قَرَأَ ثُلُثَ الْقُرْآنِ، وَمَنْ قَرَأَهَا مَرَّتَيْنِ فَكَأَنَّمَا قَرَأَ ثُلُثَي الْقُرْآنِ، وَمَنْ قَرَأَهَا ثَلَاثَ مَرَاتٍ فَكَأَنَّمَا قَرَأَ الْقُرْآنَ؛ وَكَذَلِكَ مَنْ أَحَبَّكَ بِقَلْبِهِ كَانَ لَهُ مِثْلُ ثُلُثِ ثَوَابِ أَعْمَالِ الْعِبَادِ، وَمَنْ أَحَبَّكَ بِقَلْبِهِ وَنَصَرَكَ بِلِسَانِهِ كَانَ لَهُ مِثْلُ ثُلُثَي أَعْمَالِ الْعِبَادِ، وَمَنْ أَحَبَّكَ بِقَلْبِهِ وَنَصَرَكَ بِلِسَانِهِ وَيَدِهِ كَانَ لَهُ مِثْلُ ثَوَابِ أَعْمَالِ الْعِبَادِ (المحاسن، ج ۱، ص ۲۵۱، ح ۴۷۳).

۵۸. سوره زلزال، آیه ۶-۸.

۵۹. مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (سوره قصص، آیه ۸۴).

نادیده می‌گیرد:

إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ. ۶۰

چنان که در آیات دیگر تصریح شده هرگاه فرد مؤمنی، عمل صالح انجام دهد، خداوند بدان وسیله بدی‌های او را می‌پوشاند^{۶۱} و یا گوشزد شده که بهترین کارهای مؤمنان پذیرفته شده و از بدی‌های آنان چشم پوشی می‌شود.^{۶۲}

ب. تبدیل سیئات به حسنات

قرآن کریم به دنبال توصیه به بازگشت از مسیر باطل و توبه از گناهان، تأکید می‌کند که نه تنها بدی‌ها با خوبی‌ها پاک می‌شود، بلکه افراد خطاکار توجه داشته باشند که اگر توبه کنند و ایمان بیاورند و عمل صالح انجام دهند، نگران گذشته پرگناه خود نباشند؛ چرا که خداوند بدی‌های نامۀ عمل آنان را تبدیل به خوبی‌ها می‌کند:

إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا. ۶۳

ج. ارزش‌گذاری اعمال، با معیار بهترین اعمال

افزون بر موارد پیشین - که مؤده گذشت از بدی‌ها و سپس تبدیل آنها به حسنات بازگو شده بود - در برخی آیات مؤده بالاتری داده شده است. در این نوع برخورد، در مقام محاسبه اعمال صالح، آنها را با ارزش و معیار بهترین اعمال مورد ارزیابی قرار می‌دهند؛ بدین معنا که همه اعمال نیک به مانند اعمال والا و با کیفیتشان دیده می‌شوند و باقی اعمال در همان رتبه به حساب می‌آیند و پاداش داده می‌شوند:

ذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ يُكْفَرُ اللَّهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي عَمِلُوا وَيَجْزِيهِمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ. ۶۴

بدین ترتیب، سیئات تبدیل شده به حسنات نیز در محاسبه، رنگ و بوی بهترین

۶۰. سوره هود، آیه ۱۱۴.

۶۱. مَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَاعْمَلْ صَالِحًا يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (سوره تغابن، آیه ۹).

۶۲. وَالَّذِي جَاءَ بِالصَّدَقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ يُكْفَرُ اللَّهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي عَمِلُوا وَيَجْزِيهِمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ (سوره زمر، آیه ۳۳-۳۵).

۶۳. سوره فرقان، آیه ۷۰.

۶۴. سوره زمر، آیه ۳۴-۳۵؛ نیز رک: سوره نحل، آیه ۹۷؛ سوره عنکبوت، آیه ۷.

اعمال را به خود می گیرند. شاید بتوان گفت این دسته از آیات بهترین مژده برای مؤمنان اند.

۱۲. نقش آفرینی برخی امور در افزایش ثواب

برای برخی امور، بنا بر اهمیت و نقشی که در هدایت و سعادت بشر دارند، جایگاه خاصی در نظام پاداش دهی تعریف شده و نسبت به دیگر امور برتری داده شده اند و در تضاعف و افزایش میزان پاداش نیز نقش دارند؛ مانند: زمان و مکان های خاص. در خصوص زمان های نقش آفرین در تضاعف ثواب می توان به اهمیت روزهای عید مثل فطر، قربان، غدیر و جمعه^{۶۵} و ماه های رجب،^{۶۶} شعبان،^{۶۷} رمضان^{۶۸} و شب قدر^{۶۹} اشاره کرد و در خصوص مکان نیز می توان به اهمیت مکان مسجد الحرام^{۷۰} و مساجد پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم -^{۷۱} و حرم اهل بیت، به ویژه کربلا اشاره کرد.

چند نکته

یکم. در پاداش دهی اخروی، اجر مفهوم عامی است و به فضل الهی در برابر عمل صالح گفته می شود که می تواند امور چندگانه ای مثل مغفرت، ارتقای درجه و رحمت و نعمت الهی باشد. روایت مختلفی بر این مطلب دلالت دارند؛ مانند روایت نقل شده از امام سجاد - علیه السلام - که فرموده اند:

هر کس یک حرف از قرآن را فقط گوش کند و نخواند، خداوند برای او یک حسنه بنویسد و یک گناه از او محو کند و یک درجه برایش بالا برد، و هر کس با نگاه و بدون صوت و تلفظ آن را بخواند، برایش به هر حرفی حسنه ای بنویسد و گناهی از او محو کند و درجه او بالا برد، و هر کس یک حرف ظاهر از آن را بیاموزد، خداوند برایش ده حسنه بنویسد و ده گناه از او محو کند و ده درجه برایش بالا برد.^{۷۲}

قرآن کریم نیز بدین مطلب چنین اشاره کرده است:

۶۵. الکافی، ج ۳، ص ۴۱۴، ح ۵۴؛ تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲، ح ۲؛ بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۲۷۴، ح ۲۰؛ ثواب الأعمال، ص ۹۹، ح ۲.
۶۶. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۹۲، ح ۱۸۲۴؛ ثواب الأعمال، ص ۷۸، ح ۳؛ فضائل الأشهر الثلاثة، ص ۲۳، ح ۱۱.
۶۷. امالی الصدوق، ص ۷۵، ح ۴۳؛ ثواب الأعمال، ص ۸۷، ح ۱۶؛ الإقبال، ج ۳، ص ۲۹۲.
۶۸. فضائل الأشهر الثلاثة، ص ۷۳، ح ۵۳؛ عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۹۳، ح ۴۶.
۶۹. الکافی، ج ۴، ص ۱۵۷، ح ۶؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۵۸، ح ۲۰۲۴؛ ثواب الأعمال، ص ۹۳، ح ۱۱.
۷۰. ثواب الأعمال، ص ۴۹، ح ۱.
۷۱. المعجم الكبير، ج ۱، ص ۳۷۲، ح ۱۱۴۴.
۷۲. الکافی، ج ۲، ص ۶۱۳.

و برای هر کدام از آنها درجاتی است، بر طبق اعمالی که انجام داده‌اند.^{۷۳}

دوم. وعده نعمت‌های فراوان و نقل ثواب‌های زیاد و گوناگون اخروی برای اعمال صالح، این سؤال را در ذهن برخی پدید آورده که حجم بالای نعمت‌های یادشده، بسیار فراتر از ظرفیت بهره‌مندی انسان است و از این رو، چگونه می‌توان بدین متون اعتماد کرد؟ در پاسخ بدین شبهه باید گفت عالم آخرت، عرصه توسعه ظرفیت‌ها و استعدادهاست. از یک سو، اهل بهشت از آفات و محدودیت‌های زندگی دنیا به دورند و توان بهره‌مندی گسترده‌ای دارند و از سوی دیگر، بهشت، جهان وسیعی است و محدودیت عالم ماده را ندارد و بهره‌مندی مطلوب در آن عالم پرگستره و ابدی، به نعمت‌های فراوان و متنوع نیازمند است و بدون آنها تنعم و سعادت متصور نیست. بنا براین، در رسیدن به حیات مطلوب در جهان آخرت، بین حیات ابدی و نیازمندی به نعمت‌ها و امکانات فراوان، رابطه تنگاتنگی وجود دارد.

سوم. تأمل در عناوین دوازده گانه فوق - که از آنها با عنوان «قواعد نظام پاداش‌دهی» یاد شد - گویای این مطلب است که تفضل و رحمت و اسعه الهی در آخرت به کسانی اختصاص دارد که شایستگی آن را داشته باشند و این شایستگی با تحقق مولفه‌هایی در سیره و رفتار بندگان، پدید می‌آید و بهانه‌ای می‌شود برای بهره‌مندی افراد از رحمت و اسعه خداوند در آخرت؛ مانند ایمان و عمل صالح که از مهم‌ترین مولفه‌های جلب رحمت الهی‌اند. پاداش‌دهی به عمل صالح و اختصاص رحمت و تفضل الهی در این خصوص، با کیفیت و کمیت عمل تناسب دارد. کیفیت عمل نیز از چند دسته از امور تأثیر می‌پذیرد که عبارت‌اند از:

الف. کیفیت عامل عمل (امور اعتقادی و قلبی و معرفتی)

اموری چون ایمان، نیت و عقل گرچه اموری خارج از عمل هستند، ولی تأثیر آنها در کیفیت عمل و ارزش دادن به آن بسیار فراوان است و اگر در پاداش‌دهی عمل به آنها توجه شده، از آن روست که در ماهیت عمل نقش دارند و باعث توسعه، فربهی و افزایش وزن و ارزش آن می‌شوند.

ب. موقعیت عمل (سختی عمل یا زمان و مکان آن)

پذیرش سختی عمل و پایداری و صبروری برای تحقق هدفی مقدس به واسطه عمل

۷۳. وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِّمَّا عَمِلُوا وَ لِيُؤْتِيَهُمْ أَجْمَالَهُمْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ (سوره احقاف، آیه ۱۹؛ نیز رک: سوره انعام، آیه ۱۳۲).

صالح بر کیفیت عمل اثر می‌گذارد و ماهیت آن را ارزشمندتر می‌سازد و به تناسب این ارزش افزوده، رحمت و تفضل و پاداش بیشتری را متوجه عامل آن می‌کند.

همچنین، گاهی عمل به دلیل وقوع در زمان یا مکان مقدسی کیفیت بیشتری می‌یابد که به نظر می‌رسد به دلیل تمحّض بیشتر عامل در یادکرد آفریدگار باشد و از این رو، خلوص و کیفیت عمل را بالا می‌برد و گستره عمل را افزایش می‌دهد و افزونی پاداش را در پی دارد.

ج. نتیجه عمل (تأثیرگذاری عمل در سرنوشت جامعه و هدایت آن)

در مواردی چون بالا بودن جایگاه اجتماعی انجام دهنده عمل و یا بالا بودن جایگاه عمل به دلیل گستره تأثیرگذاری آن، در حقیقت، ماهیت عمل اتساع می‌یابد و به دنبال آن از پاداش بیشتری برخوردار می‌شود.

بدین ترتیب، روشن می‌گردد که برخی از قواعد یاد شده به تفضل خداوند مربوط است و برخی به انجام دهنده عمل و برخی به خود عمل. در این میان، آنچه مربوط به انسان است، پایبندی به حق در حوزه نظر (ایمان به حق، انجام عمل به خاطر اطاعت و قرب خداوند و اندیشمندی در باره عمل برای رفتار عاقلانه) و عمل است (صبر و انجام عمل صالح هر چند با سختی همراه باشد).

نتیجه

در بررسی متون دینی برای شناخت ساختار پاداش دهی به اعمال مشخص می‌گردد که مؤلفه‌های فراوانی در پاداش دهی به اعمال، نقش آفرینی می‌کنند. مؤلفه‌هایی چون میزان عقل، ایمان، خلوص نیت، اثر عمل و اهمیت متعلق فعل نقش بسزایی در ساختار پاداش دهی دارند. به نظر می‌رسد فراوانی ثواب در برخی موارد، همچون جهاد، زیارت امام حسین - علیه السلام - و نماز شب متأثر از مؤلفه‌های یاد شده هستند. در خصوص جهاد، عزاداری و زیارت امام حسین - علیه السلام -، نقش اثر عمل و اهمیت متعلق فعل بسیار هویدا است. این امور اثر فراوانی در زنده نگه داشتن دین و سازمان هدایت دارند و امر بزرگی چون نهضت عاشورا با عزاداری و زیارت، زنده می‌ماند تا برای نسل‌های دیگر پرتوافشانی کند. موارد دیگر نیز به گونه‌ای در حوزه مؤلفه‌های دیگر قرار می‌گیرند. بدین ترتیب، پاداش دهی به اعمال دارای ساختار ویژه خود است و عواملی در آن نقش آفرینی می‌کنند که در بسیاری از موارد با مؤلفه‌های پاداش دهی در سیره عقلا همسو هستند؛ مانند نقش آفرینی اثر عمل و اهمیت متعلق عمل؛ چنان که عقلا برای امدادگری که شخص مهم

و تأثیرگذاری را نجات داده؛ بسیار بیشتر ارزش قایل اند تا امدادگری که به جای او فرد عادی را نجات داده است؛ زیرا با نجات فرد تأثیرگذار و مهم، افراد خیلی زیادی از عمل نجات جان وی بهره می برند؛ در حالی که در نجات فرد عادی، فقط فرد نجات یافته و افراد نزدیک به او بهره مند می شوند. نیز باید توجه داشت که بخشش و عطای یک ثروتمند بسیار بیشتر از یک فرد کم درآمد است و این حقیقت در باره پاداش خداوند قادر متعال بی نیاز نیز صادق است.

در هر صورت، نقل ثواب زیاد برای یک عمل نمی تواند به خودی خود نشانه ضعف باشد، بلکه روایت باید در منظومه روایات مرتبط - که ساختار پاداش دهی را بیان کرده اند - ارزیابی شود.

کتابنامه

- الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، محمد بن محمد مفید (م ۴۱۳ق)، تحقیق: مؤسسه آل البيت - علیهم السلام -، قم: کنگره شیخ مفید، اول، ۱۴۱۳ق.
- الإقبال بالأعمال الحسنة، علی بن موسی ابن طاووس (م ۶۶۴ق)، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، اول، ۱۳۷۶ش.
- الأملی، محمد بن حسن طوسی (شیخ طوسی) (م ۴۶۰ق)، تحقیق: مؤسسه البعثة، قم: دار الثقافة، اول، ۱۴۱۴ق.
- بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار - علیهم السلام -، محمد باقر بن محمد تقی مجلسی (علامه مجلسی) (م ۱۱۱۱ق)، بیروت: مؤسسه الوفاء، دوم، ۱۴۰۳ق.
- بدائع الصنائع، علاء الدین أبی بکر بن مسعود کاسانی حنفی (م ۵۸۷ق)، پاکستان: المكتبة الحبيبية، اول، ۱۴۰۹ق/ ۱۹۸۹م.
- تحف العقول عن آل الرسول - صلى الله عليه وآله -، حسن بن علی حزانى (ابن شعبه) (م ۳۸۱ق)، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، دوم، ۱۴۰۴ق.
- تفسیر ابی السعود، ابی السعود محمد بن محمد عمادی (م ۹۵۱ق)، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- تهذيب الأحكام فی شرح المقنعة، محمد بن حسن طوسی (شیخ طوسی) (م ۴۶۰ق)، بیروت: دار التعارف، اول، ۱۴۰۱ق.
- ثواب الأعمال وعقاب الأعمال، محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق) (م ۳۸۱ق)، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: مكتبة الصدوق.

- *الخصال*، محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق) (م ۳۸۱ق)، تحقیق: علی اکبر غفاری، بیروت: مؤسسه الأعلمی، اول، ۱۴۱۰ق.
- *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، ابن ادریس محمد بن احمد (م ۵۹۸ق)، تحقیق: حسن بن احمد موسوی و ابو الحسن بن مسیح، قم: دفتر انتشارات اسلامی، اول، ۱۴۱۰.
- *علل الشرائع*، محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق) (م ۳۸۱ق)، بیروت: دار احیاء التراث، اول، ۱۴۰۸ق.
- *عیون أخبار الرضا - علیه السلام -*، محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق) (م ۳۸۱ق)، تحقیق: سید مهدی حسینی لاجوردی، تهران: جهان.
- *الکافی*، محمد بن یعقوب کلینی رازی (م ۳۲۹ق)، تحقیق: علی اکبر غفاری، بیروت: دار صعب و دار التعارف، چهارم، ۱۴۰۱ق.
- *فضائل الأشهر الثلاثة*، محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق) (م ۳۸۱ق)، تحقیق: غلامرضا عرفانیان یزدی، قم: کتاب فروشی داور، اول، ۱۳۹۶ق.
- *قرب الإسناد*، عبدالله بن جعفر الحمیری القمّی (م بعد از ۳۰۴ق)، تحقیق: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۳ق، اول.
- *کتاب من لا یحضره الفقیه*، محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق) (م ۳۸۱ق)، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، دوم.
- *المسلك فی أصول الدین*، محقق حلی (م ۶۷۶ق)، تحقیق: رضا استادی، مشهد: مؤسسه الطبع التابعة للآستانة الرضویة المقدسة، دوم، ۱۴۲۱ق / ۱۳۷۹ش.
- *المعجم الكبير*، ابو القاسم سلیمان بن احمد طبرانی (م ۳۶۰ق)، تحقیق: حمدی عبد المجید سلفی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، دوم.
- *المحاسن*، احمد بن محمد بن خالد برقی (م ۲۸۰ق)، تحقیق: سید مهدی رجایی، قم: المجمع العالمی لأهل البيت - عليهم السلام -، اول، ۱۴۱۳ق.
- *معانی الأخبار*، محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق) (م ۳۸۱ق)، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، اول، ۱۳۶۱ش.
- *نهج البلاغة من کلام الإمام أمير المؤمنين - علیه السلام -*، جمع و تدوین: محمد بن حسین موسوی (شریف رضی) (م ۴۰۶ق)، تصحیح: صبحی الصالح، قم: دار الحدیث، اول، ۱۴۲۴ق.